



دانشگاه بیرجند

دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی

گروه علوم تربیتی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی

موضوع تحقیق:

مقایسه راهبردهای یادگیری زبان انگلیسی در بین دانشجویان (موفق و ناموفق)

دانشگاه بیرجند سال تحصیلی ۱۳۸۸-۸۹

استاد راهنما:

دکتر هادی پورشافعی

استاد مشاور:

دکتر محسن آیتی

پژوهشگر:

معصومه اسماعیل زاده

زمستان - ۱۳۸۹

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات تحقیق

۲مقدمه
۳بیان مسئله
۳اهمیت و ضرورت پژوهش
۵فرضیه‌های پژوهش
۶تعریف متغیرها
۷تعاریف نظری
۷تعاریف عملیاتی

فصل دوم: ادبیات و پیشینه تحقیق

۱۰مقدمه
۱۱تعریف راهبردهای یادگیری زبان
۱۳ویژگی‌های کلیدی راهبردهای یادگیری زبان
۱۴طبقه‌بندی راهبردهای یادگیری
۱۸راهبردهای عاطفی
۲۲راهبردهای اجتماعی
۲۵راهبردهای حافظه‌ای
۳۱راهبردهای جبرانی
۳۶راهبردهای فراشناختی
۴۲راهبردهای شناختی

پیشینه و سابقه تحقیق..... ۲۸

فصل سوم: روش شناسی پژوهش

مقدمه..... ۴۷

روش تحقیق..... ۴۷

جامعه آماری و نمونه آماری ۴۷

ابزار گردآوری اطلاعات..... ۴۸

روایی و اعتبار ابزار پژوهش..... ۴۹

روش تجزیه و تحلیل آماری دادها..... ۵۰

فصل چهارم: نتایج پژوهش و تجزیه و تحلیل آن

یافته‌های پژوهش، بحث و نتیجه‌گیری ۵۲

فصل پنجم: بحث و نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بحث و نتیجه‌گیری..... ۷۳

پیشنهادهای پژوهش..... ۸۲

محدودیت‌های پژوهش ۸۲

منابع و ماخذ..... ۸۷

پیوست..... ۹۳

فهرست نمودارها

۱۸ نمودار ۱-۲: راهبردهای عاطفی آکسفورد، ۱۹۹۹
۲۲ نمودار ۲-۲: راهبردهای اجتماعی آکسفورد، ۱۹۹۰
۲۵ نمودار ۳-۲: راهبردهای حافظه‌ای آکسفورد، ۱۹۹۰
۲۸ نمودار ۴-۲: راهبردهای جبرانی آکسفورد، ۱۹۹۰
۳۱ نمودار ۵-۲: راهبردهای فراشناختی آکسفورد، ۱۹۹۰
۳۶ نمودار ۶-۲: راهبردهای شناختی آکسفورد، ۱۹۹۰
۳۹ نمودار ۷-۲: تاکتیک‌های راهبرد تکرار و مرور
۵۲ نمودار ۱-۴: توزیع دانشجویان براساس میزان پیشرفت تحصیلی آنها
۵۳ نمودار ۲-۴: توزیع دانشجویان براساس دانشکده‌ها
۵۵ نمودار ۳-۴: مقایسه فراوانی نسبی دانشجویان موفق و ناموفق در دانشکده‌های مختلف

فهرست جداول

۳۵ جدول ۶-۲: راهبردهای فراشناختی
۴۰ جدول ۹-۲: تاکتیک‌های راهبردی بسط و گسترش معنایی
۴۱ جدول ۱۰-۲: تاکتیک‌های راهبرد سازمان‌دهی
۴۹ جدول ۲-۳: تعداد سوالات مربوط به راهبردهای یادگیری
۴۹ جدول ۳-۳: ضرایب بازآزمایی و آلفای کرونباخ پرسشنامه در راهبردهای یادگیری زبان
۵۲ جدول ۱-۴: توزیع دانشجویان براساس میزان پیشرفت تحصیلی آنها
۵۳ جدول ۲-۴: توزیع دانشجویان براساس دانشکده‌ها

- جدول ۳-۴: مقایسه فراوانی نسبی دانشجویان موفق و ناموفق در دانشکده‌های مختلف..... ۵۴
- جدول ۴-۴: مقایسه میانگین راهبرد حافظه‌ای در دانشجویان موفق و ناموفق..... ۵۵
- جدول ۴-۵: نتایج آزمون T برای راهبرد حافظه‌ای در درس زبان عمومی دانشجویان موفق و ناموفق..... ۵۶
- جدول ۴-۶: مقایسه میانگین راهبرد شناختی در دانشجویان موفق و ناموفق..... ۵۷
- جدول ۴-۷: نتایج آزمون T برای راهبرد شناختی در درس زبان عمومی دانشجویان موفق و ناموفق..... ۵۷
- جدول ۴-۸: مقایسه میانگین راهبرد جبرانی در دانشجویان موفق و ناموفق..... ۵۸
- جدول ۴-۹: نتایج آزمون T برای راهبرد جبرانی در درس زبان عمومی دانشجویان موفق و ناموفق..... ۵۸
- جدول ۴-۱۰: مقایسه میانگین راهبرد فراشناخت در دانشجویان موفق و ناموفق..... ۵۹
- جدول ۴-۱۱: نتایج آزمون T برای راهبرد فراشناخت در درس زبان عمومی دانشجویان موفق و ناموفق..... ۶۰
- جدول ۴-۱۲: مقایسه میانگین راهبرد عاطفی در دانشجویان موفق و ناموفق..... ۶۱
- جدول ۴-۱۳: نتایج آزمون T برای راهبرد عاطفی در درس زبان عمومی دانشجویان موفق و ناموفق..... ۶۱
- جدول ۴-۱۴: مقایسه میانگین راهبرد اجتماعی در دانشجویان موفق و ناموفق..... ۶۲
- جدول ۴-۱۵: نتایج آزمون T برای راهبرد اجتماعی در درس زبان عمومی دانشجویان موفق و ناموفق..... ۶۲
- جدول ۴-۱۶: مقایسه تعداد دانشجویان دانشکده‌های مختلف در راهبرد حافظه‌ای..... ۶۳
- جدول ۴-۱۷: آزمون آنالیز واریانس دوطرفه برای راهبرد حافظه‌ای..... ۶۴
- جدول ۴-۱۸: مقایسه تعداد دانشجویان دانشکده‌های مختلف در راهبرد شناختی..... ۶۵
- جدول ۴-۱۹: آزمون آنالیز واریانس دوطرفه برای راهبرد شناختی..... ۶۵
- جدول ۴-۲۰: آزمون توکی برای راهبرد شناختی..... ۶۶
- جدول ۴-۲۱: مقایسه تعداد دانشجویان دانشکده‌های مختلف در راهبرد جبرانی..... ۶۷
- جدول ۴-۲۲: آزمون آنالیز واریانس دوطرفه برای راهبرد جبرانی..... ۶۷
- جدول ۴-۲۳: مقایسه تعداد دانشجویان دانشکده‌های مختلف در راهبرد فراشناخت..... ۶۸
- جدول ۴-۲۴: آزمون آنالیز واریانس دوطرفه برای راهبرد فراشناخت..... ۶۹

- جدول ۴-۲۵: مقایسه تعداد دانشجویان دانشکده های مختلف در راهبرد عاطفی ۷۰
- جدول ۴-۲۶: آزمون آنالیز واریانس دوطرفه برای راهبرد عاطفی..... ۷۱
- جدول ۴-۲۷: مقایسه تعداد دانشجویان دانشکده های مختلف در راهبرد اجتماعی ۷۱
- جدول ۴-۲۸: آزمون آنالیز واریانس دوطرفه برای راهبرد اجتماعی ۷۳

چکیده

در عصر حاضر اهمیت آموزش زبان‌های خارجی در تمام دنیا پذیرفته شده و کوشش‌های راهبردی متعددی برای بهبود این آموزش انجام گرفته است. راهبردهای یادگیری از جمله مباحث اساسی در حوزه یادگیری است و بدلیل نقش آن، به شکل فرایندهای موردعلاقه پژوهشگران معاصر قرار گرفته است. پژوهش درباره راهبردهای یادگیری می‌تواند فراگیران را در بهبود امر یادگیری یاری رساند. هدف پژوهش حاضر مقایسه راهبردهای یادگیری زبان انگلیسی در بین دانشجویان است. روش پژوهش توصیفی-مقایسه‌ای و از نظر هدف پژوهش کاربردی بوده است. جامعه آماری شامل ۶۰۰ دانشجوی دانشگاه بیرجند که درس زبان عمومی را در سال ۸۹-۱۳۸۸ داشته‌اند که از ۴ دانشکده دانشگاه بیرجند، ۲۲۸ دانشجو به روش طبقه‌بندی انتخاب و در دو گروه دانشجویان موفق و ناموفق جای گرفته بودند. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه راهبردهای یادگیری زبان ربکا آکسفورد (۱۹۹۰) که شامل شش مولفه: حافظه‌ای، شناختی، جبرانی، فراشناختی، عاطفی و اجتماعی می‌باشد، استفاده گردید. پس از تامین روایی پرسشنامه توسط صاحب‌نظران، پایایی آن با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۷۲ محاسبه گردید. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS و روش‌های آماری توصیفی (شاخص‌های مرکزی و پراکندگی) و استنباطی (آزمون t، آنالیز واریانس دوطرفه و توکی) تحلیل گردید. نتایج نشان داد که با توجه به شش مولفه راهبرد یادگیری، تفاوت معناداری میان "راهبردهای شناختی" و "فراشناختی" و "پیشرفت تحصیلی" وجود دارد و در نتیجه دانشجویان موفق در درس زبان عمومی در مقایسه با دانشجویان ناموفق بیشتر از "راهبردهای شناختی" و "فراشناختی" استفاده می‌کنند همچنین نتایج نشان داد که در بین ۴ دانشکده فقط در "راهبرد شناختی" تفاوت معناداری وجود دارد. نتیجه آزمون تعقیبی توکی نیز نشان داد که بین دانشکده‌های "مهندسی"، "علوم" و "ادبیات و علوم انسانی" تنها در "راهبرد شناختی" تفاوت معناداری وجود دارد. در پایان به دانشجویان، اساتید و معلمان پیشنهاد می‌شود از راهبردهای شناختی و فراشناختی در امر یادگیری و تدریس بیشتر استفاده نمایند.

واژه‌های کلیدی: راهبردهای یادگیری، یادگیری زبان انگلیسی، پیشرفت تحصیلی، شناختی، فراشناختی

فصل اول

کلیات تحقیق

ما نمی‌توانیم مستقیماً شخص دیگری را آموزش دهیم فقط می‌توانیم یادگیری او را هموار کنیم.

کارل راجرز

مقدمه

پیشرفت سریع علم و صنعت و وابستگی‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی در جهان، اهمیت آموزش و یادگیری زبان‌های خارجی را بیش از پیش افزایش داده است. امروزه ملتها در جهت استقلال کشور خود بیشتر به آموختن زبان‌های خارجی نیاز دارند (شکری‌روشنق، ۱۳۷۴) و انسان‌ها از طریق زبان اهداف زندگی، ارزش‌ها و آرمان‌های همدیگر را می‌فهمند و کشورها از طریق زبان فرهنگ خود را گسترش داده و عرضه می‌کنند. «در عصر حاضر اهمیت آموزش زبان‌های خارجی در تمام دنیا پذیرفته شده، و در طی سال‌های اخیر کوشش‌هایی برای بهبود این آموزش انجام گرفته است» (رضیئی، ۱۳۶۴). زبان ویژگی متمایزکننده انسان‌ها از سایر جانوران است هنگامی که زبان انسان را مطالعه می‌کنیم، در واقع با آنچه برخی آن را عصاره انسان بنامند سروکار داریم^۱ (چامسکی، ۱۹۷۲). از بعد آموزشی، آموزش زبان خارجی می‌تواند باعث بهره‌گیری از دانش و فناوری ملل دیگر، دستیابی به حجم انبوه اطلاعات در دنیای مجازی اینترنت، حضور فعال در دنیای علم و برقراری رابطه علمی با مراکز دانشگاهی خارج از کشور و افزایش رشد کیفی مراکز علمی و پژوهشی کشور، و همچنین رشد مهارت‌های فراشناختی و افزایش اعتمادبه‌نفس شود. از بعد اقتصادی، آموزشی زبان خارجی می‌تواند منجر به افزایش مهارت‌های شغلی، برقراری رابطه علمی، فرهنگی و اقتصادی با کشورهای خارجی، امکان استفاده از فرصت کاری، تجاری و بازرگانی گردد. از بعد فرهنگی و اجتماعی ورود زبان آموزان به فرهنگ‌های جدید و غنی‌تر کردن فرهنگ خود از طریق کسب موارد مثبت آن فرهنگ و از بعد سیاسی می‌توان به نزدیکی ملل و تعمق روابط و تحکیم موقعیت بین‌المللی کشور از طریق ارائه نظرات و عقاید کشور به زبان خارجی در محافل بین‌المللی اشاره کرد (راهنمای برنامه‌درسی زبان خارجی ۱۳۸۴).

^۱ chomsky

راهبردهای یادگیری زبان به بهبود توانش رابطه‌ای کمک می‌کند یعنی به یادگیرنده کمک می‌کند تا راهش را خودش بیابد؛ نقش معلم را توسعه می‌دهند به حل مشکل کمک می‌کنند. فعالیت‌های اختصاصی هستند که فراگیر بکار می‌گیرد؛ وجوه زیادی از یادگیرنده را شامل می‌شوند که به یادگیری مستقیم و غیرمستقیم کمک می‌کنند همیشه قابل مشاهده نیستند اغلب خودآگاه هستند؛ قابل تدریس هستند؛ تحت تاثیر عوامل زیادی می‌باشند (پیشقدم، ۱۳۸۷).

بیان مسئله

میلیاردها انسان بر روی این کره خاکی زندگی می‌کنند و هر کدام زبانی را می‌دانند. حتی کودکان نیز به اندازه مهارت والدین می‌توانند تکلم کنند و بفهمند. واقعیت این است که آنچه به نظر ممکن است موضوع ساده‌ای باشد، در عمل از آنچه در بدو امر به نظر می‌رسد پیچیده‌تر است. توانایی انجام مکالمه‌ای ساده، نیازمند دانش عمیقی است که صحبت‌کنندگان از آن ناآگاه‌اند علاقه به مطالعه زبان انسان از دیرباز مورد توجه بوده است. بسیاری از پرسش‌ها درباره زبان به مدت هزاران سال مورد سوال بوده است زبان چیست؟ هنگامی که زبان را بلدییم در واقع چه چیزی را می‌دانیم؟ چگونه کودکان زبان می‌آموزند؟ مجادلات امروزه بازتاب پاسخ‌های معاصر به سوالاتی است که اغلب در طول تاریخ آموزش زبان مورد پرسش بوده است (دردی‌پور، ۱۳۸۸).

محقق راهبردهای یادگیری دانشجویان موفق و ناموفق دانشگاه بیرجند را مورد بررسی قرار داد تا راهبردهایی را که احتمال دارد بر فرایند یادگیری زبان دانشجویان موفق تاثیر داشته باشند، را بیان کند تا برای آموزش دانشجویان ناموفق از آنها استفاده شود و پس از بررسی بیان شود که کدامیک از راهبردها احتمال دارد در یادگیری دانشجویان تاثیر بیشتری داشته باشند، تا با تکیه بر راهبردها، امکان افزایش توانایی دانشجویان در یادگیری زبان فراهم شود. در کشور ما برای آموزش زبان، نیروهای زیادی فعالیت می‌کنند، هزینه‌های زیادی برای آن صرف می‌شود و فراگیران ساعت‌ها وقت خود را صرف می‌کنند تا این زبان را یاد بگیرند. اما نتیجه آن‌طور که باید مطلوب نیست و فراگیران در یادگیری زبان چندان موفق نیستند و نمی‌توانند در امور زندگی، شغلی و تحصیلی از آن استفاده نمایند (شکری‌روشنق، ۱۳۷۴).

با توجه به اهمیت زبان انگلیسی در زندگی امروزی، افزایش توانایی دانشجویان و افراد مختلف برای استفاده از این زبان احساس می‌شود برای اینکه بتوانیم در آموزش زبان موفق باشیم باید دریابیم که دانشجویان موفق از چه راهبردهایی ممکن

است که بیشتر استفاده کنند، تا امکان آموزش این راهبردها به دانشجویان ناموفق باشد. آموزش راهبردها به دانشجویان آنها را به یادگیرندگانی مستقل تبدیل می‌کند که بر فرایندهای یادگیری خود نظارت دارند و این فرایندها را به سمت یادگیری عمیق‌تر زبان مورد مطالعه، هدایت می‌کنند.

در این پژوهش چون احتمال دارد که برخی از راهبردها موجب افزایش عملکرد دانشجویان شوند می‌توان از آن برای برنامه‌ریزی‌های آموزشی استفاده کرد و راهبردهای یادگیری از موضوعات جدیدی است که از آن برای افزایش کیفیت یادگیری فراگیران در درس زبان انگلیسی استفاده می‌شود.

اهمیت و ضرورت پژوهش

آنچه در حوزه راهبردهای یادگیری در سال‌های اخیر مشاهده می‌شود آن است که توجه متخصصین تعلیم و تربیت از کیفیت تدریس معلمین، به فراگیران و چگونگی یادگیری آنها معطوف شده است. در واقع امروزه این موضوع که یادگیرندگان از چه نوع راهبردهایی برای فهم، به خاطر سپاری و یادآوری اطلاعات استفاده می‌کنند و چه عواملی بر انتخاب و به کارگیری این راهبردها تأثیر می‌گذارد، محور تحقیقات در حوزه زبان خارجی و زبان دوم است (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۸۵). استراتژی یا راهبرد در لغت به معنای شیوه عمل در موقعیت خاص به کار می‌رود. به طور کلی منظور از راهبرد، مجموعه‌ای از اقدامات و تصمیمات است که برای عملی کردن سیاست‌های اتخاذ شده بیان می‌شود (مشایخ، ۱۳۶۹) در همین رابطه راهبردهای یادگیری زبان عبارتند از رویکردهای کلی، روش‌ها و اعمال خاصی (الیس، ۲۰۰۱) یا رفتارها، گام‌ها، عملیات و یا طراحی‌هایی (هیس ماوگلو، ۲۰۰۰) که برای یادگیری زبان دوم یا زبان خارجی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

از راهبردهای یادگیری زبان تقسیم‌بندی‌های متعددی به عمل آمده است. اومیلی^۲ و همکاران (۱۹۸۵) آن را به سه طبقه‌ی راهبردهای شناختی، راهبردهای فراشناختی و راهبردهای اجتماعی تقسیم می‌کنند. در حالی که آکسفورد (۱۹۹۰) راهبردهای یادگیری زبان را در دو طبقه اصلی راهبردهای مستقیم و راهبردهای غیرمستقیم قرار می‌دهد. راهبردهای مستقیم شامل راهبردهای حافظه‌ای، شناختی، جبرانی و راهبردهای غیرمستقیم شامل راهبردهای فراشناختی، عاطفی، و اجتماعی هستند.

^۲ omalley, j.m

توجه به مؤلفه‌های مورد توجه در دو تقسیم‌بندی، جامعیت بیشتر تقسیم‌بندی آکسفورد را نشان می‌دهد. لذا در ادامه تقسیم‌بندی اخیر محور بحث و پژوهش قرار خواهد گرفت.

براساس تقسیم‌بندی آکسفورد و تعاریف ارائه شده از آن هر کدام از راهبردها به موارد زیر اشاره دارد: راهبردهای حافظه‌ای شامل فعالیت‌هایی است که به ذخیره‌سازی اطلاعات کمک می‌کند جمله «مطالب جدید را به آنچه تاکنون فرا گرفته‌ام، مرتبط می‌کنم» بیانگر این راهبرد است.

راهبردهای شناختی از جمله سازماندهی، مرور ذهنی، بسط معنایی (سیف، ۱۳۸۰) فعالیت‌هایی هستند که یادگیرنده برای قابل فهم کردن مطالب انجام می‌دهد. جمله «اطلاعات را خلاصه می‌کنم» بیانگر این راهبرد است.

راهبردهای جبرانی به یادگیرنده کمک می‌کند تا بر شکاف‌های دانش خود غلبه کند. جمله «معنای کلمات ناآشنا را حدس می‌زنم» بیانگر این راهبرد است (گرین و آکسفورد،^۳ ۱۹۹۵).

راهبردهای فراشناختی به فراگیران در برنامه ریزی، تعیین اهداف و تنظیم یادگیری شان کمک می‌کند. جمله «به دنبال راه‌های مختلفی برای استفاده از زبان انگلیسی هستم» بیانگر این راهبرد است.

راهبردهای عاطفی بر وضعیت نگرشی و عاطفی زبان‌آموزان در رابطه با زبان مورد یادگیری دلالت دارد. جمله «برای انجام درست تکالیف درسی خود را مورد تقویت قرار می‌دهم» بیانگر این راهبرد است.

راهبردهای اجتماعی نیز منجر به افزایش تعامل یادگیرنده با زبان مورد مطالعه می‌شود و جمله «از کسانی که به زبان انگلیسی صحبت می‌کنند، کمک می‌گیرم» بیانگر این راهبرد است (گرین و آکسفورد، ۱۹۹۵).

از نتایج این تحقیق، دانشگاه‌ها و گروه‌های آموزشی زبان و موسسات آموزش زبان می‌توانند استفاده کنند و در برنامه‌ریزی‌های آموزشی خود، راهبردهای یادگیری زبان را به کار برند.

پس از شناسایی راهبردهای یادگیری زبان‌آموزان موفق، امکان آموزش آنها به زبان‌آموزان ناموفق خواهد بود همچنین استادان می‌توانند با آموزش راهبردهای یادگیری به دانشجویان فرایند زبان‌آموزی را آسان کنند و راهبردهای یادگیری زبان می‌تواند مکمل نظریه‌ها و روش‌های آموزش زبان به کار رود.

^۳ Green, J.M.; & Oxford, R

محقق سعی دارد در ادامه تحقیقات گذشته پس از بررسی تفاوت‌های موجود در راهبردهای یادگیری زبان در دانشجویان موفق و ناموفق، راهبردهایی را که احتمال دارد در یادگیری زبان سهم بیشتری داشته باشند را شناسایی کند تا در آموزش زبان در دانشجویان ناموفق از آن استفاده شود.

فرضیه‌های پژوهش

- ۱- بین "راهبرد حافظه‌ای" دانشجویان موفق و ناموفق در درس زبان عمومی تفاوت وجود دارد.
- ۲- بین "راهبرد شناختی" دانشجویان موفق و ناموفق در درس زبان عمومی تفاوت وجود دارد.
- ۳- بین "راهبرد جبرانی" دانشجویان موفق و ناموفق در درس زبان عمومی تفاوت وجود دارد.
- ۴- بین "راهبرد فراشناختی" دانشجویان موفق و ناموفق در درس زبان عمومی تفاوت وجود دارد.
- ۵- بین "راهبرد عاطفی" دانشجویان موفق و ناموفق در درس زبان عمومی تفاوت وجود دارد.
- ۶- بین "راهبرد اجتماعی" دانشجویان موفق و ناموفق در درس زبان عمومی تفاوت وجود دارد.
- ۷- بین "راهبرد حافظه‌ای" دانشجویان موفق و ناموفق در درس زبان عمومی در دانشکده‌های مختلف تفاوت وجود دارد.
- ۸- بین "راهبرد شناختی" دانشجویان موفق و ناموفق در درس زبان عمومی در دانشکده‌های مختلف تفاوت وجود دارد.
- ۹- بین "راهبرد جبرانی" دانشجویان موفق و ناموفق در درس زبان عمومی در دانشکده‌های مختلف تفاوت وجود دارد.
- ۱۰- بین "راهبرد فراشناخت" دانشجویان موفق و ناموفق در درس زبان عمومی در دانشکده‌های مختلف تفاوت وجود دارد.
- ۱۱- بین "راهبرد عاطفی" دانشجویان موفق و ناموفق در درس زبان عمومی در دانشکده‌های مختلف تفاوت وجود دارد.
- ۱۲- بین "راهبرد اجتماعی" دانشجویان موفق و ناموفق در درس زبان عمومی در دانشکده‌های مختلف تفاوت وجود دارد.

تعریف متغیرها

تعاریف نظری

راهبردهای یادگیری زبان خارجی: گام‌های اغلب هوشیارانه یا رفتارهایی هستند که به منظور افزایش کسب ذخیره‌سازی بازیابی و استفاده از اطلاعات جدید توسط زبان‌آموزان بکار گرفته می‌شوند (آکسفورد^۴ ۱۹۸۹).

راهبردهای حافظه‌ای: این راهبردها به یادگیرنده کمک می‌کنند تا اطلاعات را وارد حافظه کنند و اطلاعات جدید را بازیابی کنند مانند: دسته‌بندی کردن و استفاده از تصاویر و مرور سازمان‌یافته اطلاعات.

راهبردهای شناختی: مثل حدس‌زدن و استفاده از مترادف‌ها یا استدلال قیاسی، یادگیرندگان را قادر می‌سازد تا با استفاده از روش‌ها و شیوه‌های گوناگون زبان جدید را بفهمند و به‌کار ببرند.

راهبردهای جبرانی: یادگیرندگان را قادر می‌سازند تا به رغم وجود محدودیت‌هایی که در دانش خود نسبت به زبان جدید دارند، زبان جدید را برای درک مطلب یا تولید به‌کار ببرند.

راهبردهای فراشناختی: به یادگیرندگان اجازه می‌دهند تا یادگیری خودشان را تحت کنترل درآورند.

راهبردهای عاطفی: راهبردهای عاطفی به تکنیک‌هایی اشاره می‌کنند که به یادگیرندگان کمک می‌کنند تا احساسات عاطفی، انگیزه‌ها و نگرش‌هایی مثل خود تشویقی، کاهش اضطراب با دیگران را مدیریت کنند.

راهبردهای اجتماعی: به یادگیرندگان کمک می‌کنند تا از طریق تعامل و همکاری با دیگران به یادگیری زبان بپردازند (آکسفورد، ۱۹۹۰).

تعاریف عملیاتی

راهبردهای یادگیری: منظور از راهبردهای یادگیری تدابیری است که برای یادگیری مورد استفاده قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر راهبردهای یادگیری چگونگی یادگرفتن و مطالعه کردن صحیح است (قدیری، ۱۳۸۵). در این تحقیق از پرسشنامه راهبردهای یادگیری زبان خارجی آکسفورد برای سنجش راهبردهای یادگیری در شش مؤلفه به تفکیک بخش‌های ذیل استفاده شده است:

- راهبردهای حافظه‌ای، میانگین نمره کسب‌شده از آیتم‌های ۱ تا ۹ پرسشنامه راهبردهای یادگیری زبان خارجی.
- راهبردهای شناختی، میانگین نمره کسب‌شده از آیتم‌های ۱۰ تا ۲۳ پرسشنامه راهبردهای یادگیری زبان خارجی.
- راهبردهای جبرانی، میانگین نمره کسب‌شده از آیتم‌های ۲۴ تا ۲۹ پرسشنامه راهبردهای یادگیری زبان خارجی.

^۴ oxford, R.L.

- راهبردهای فراشناخت، میانگین نمره کسب‌شده از آیتم‌های ۳۰ تا ۳۸ پرسشنامه راهبردهای یادگیری زبان خارجی.
- راهبردهای عاطفی، میانگین نمره کسب‌شده از آیتم‌های ۳۹ تا ۴۴ پرسشنامه راهبردهای یادگیری زبان خارجی.
- راهبردهای اجتماعی، میانگین نمره کسب‌شده از آیتم‌های ۴۵ تا ۵۰ پرسشنامه راهبردهای یادگیری زبان خارجی.

فصل دوم

ادبیات و پیشینه پژوهش

مقدمه

مسأله‌ای که از زمان‌های دور در آموزش و پرورش و روان‌شناسی تربیتی مطرح بوده و اکنون نیز با اهمیت ویژه‌ای مورد توجه قرار می‌گیرد، این است که چه کار کنیم تا فراگیران در آموختن موفق باشند و بتوانند شخصاً یادگیری خود را اداره و رهبری کنند. یعنی مسئولیت یادگیری را مسئولیت شخصی تلقی کنند، شخصاً رفتار خود را کنترل کنند و متکی به معلم بار نیابند. به عبارت دیگر آنها یادگیرنده که شخصاً یاد بگیرند به آموختن خویش اعتماد کنند، خود برانگیخته باشند و آموختن یا مطالعه شان را به کلاس و مطالب کلیشه‌ای محدود نکنند.

روان‌شناسی یادگیری از مهمترین و قدیمی‌ترین شاخه‌های روان‌شناسی است که نقش بزرگی در گسترش روان‌شناسی جدید ایفا کرده است از آغاز پیدایش روان‌شناسی علمی تاکنون متخصصان یادگیری کوشیده‌اند تا فرایندهای اساسی یادگیری را از زوایای مختلف مورد بررسی قرار دهند. یافته‌های آنان در توجیه و تبیین پدیده‌های یادگیری به نظریه‌های متفاوتی انجامیده است که رفتارگرایی و شناخت‌گرایی دو دیدگاه غالب در این زمینه می‌باشند. برای روان‌شناسان رفتارگرا موضوع مهم علم روان‌شناسی رفتار انکار موجودات زنده است و یادگیری (چه ساده و چه پیچیده) را کسب رفتارهای مختلف دانسته و نحوه کسب رفتار را غالباً با فرایندهای شرطی‌ساز توجیه می‌کنند از سوی دیگر روان‌شناسان شناخت‌گرا رفتار را به صورت وسیله یا سرنخی برای ارتباط استنتاج پدیده‌های شناختی یا آنچه در ذهن انسان می‌گذرد مورد توجه قرار می‌دهند و علاقه آنها بیشتر معطوف به فرایندهای ذهنی است (قدیری، ۱۳۸۵).

یادگیری براساس جامع‌ترین تعریفی که از آن ارائه شده است عبارتست از ایجاد تغییرات نسبتاً پایدار در رفتار یادگیرنده مشروط بر آنکه این تغییرات ناشی از تجربه باشد (سیف ۱۳۷۶) بنابراین یادگیری زمانی روی می‌دهد که در نتیجه تاثیر محرکات بیرونی و درونی، تغییرات نسبتاً پایداری در توان رفتاری یادگیرنده ایجاد شود. امروزه بیشتر دانش‌آموزان و دانشجویان نیاز دارند که در یادگیری خودگردان تربیت شود آنها تنها زمانی می‌توانند آموختن را یاد بگیرند که در کاربرد راهبردهای یادگیری و تعمیم آنها مهارت پیدا کنند (شقاتی، ۱۳۸۲).

برخی از دانش‌آموزان و دانشجویان در طول سال‌هایی که به یادگیری زبان می‌پردازند به علت بی‌خبری از روش‌های یادگیری و مطالعه کوشش زیادی را برای یادگیری انجام می‌دهند و وقت و انرژی زیادی تلف می‌کنند ولی نتیجه مطلوب را

به دست نمی‌آورند در صورتی که آنان می‌توانند با استفاده از راهبردهای صحیح یادگیری و مطالعه مطالب، بهتر و راحت‌تر یادگیرند و در امتحانات موفق‌تر باشند.

راهبردهای یادگیری خصلت ذاتی نیست بلکه امری اکتسابی است و نیاز به آموزش و پرورش و تمرین و تکرار دارد و هر چند بیشتر تمرین کند ماهرتر می‌شود (کرمی، ۱۳۸۱).

با توجه به رفتار یادگیرندگان در موقعیت‌های یادگیری درمی‌یابیم که افراد در فعالیت‌های خود متفاوت عمل می‌کنند گروهی به سختی حداقل توفیق مورد نیاز برای ادامه تحصیلات را کسب می‌کنند دسته‌ای دیگر در وسط قرار دارند و موفقیت نسبی بدست می‌آورند و بالاخره تعدادی هم هستند که موفقیت‌های چشم‌گیری نصیب خود می‌سازند. یادگیرندگان موفق همان کسانی هستند که با صفات راهبردی شناخته شده اند (سیف، ۱۳۸۴).

در واقع تفاوت دانش‌جویان نه در قابلیت‌ها و خصایص ذاتی بلکه در نحوه پردازش اطلاعات است از این رو با استفاده از روش‌های مناسب و آموزش راهبردهای یادگیری زمینه رفع مشکلات و ارتقاء سطح عملکرد یادگیری و تحصیلی دانش‌جویان فراهم می‌آید. این مهارت‌ها نه تنها بعد فرایندذهنی را دربرمی‌گیرد بلکه به جنبه انگیزشی نیز توجه دارد بدین معنی که اگر فرد بتواند با تسلط کافی تکلیف مورد نظر را انجام دهد تجربه مثبت و خوشایندی نسبت به خود و توانمندی‌های تحصیلی خود پیدا می‌کند و این امر زمینه‌ساز تلاش بیشتر می‌گردد (ابراهیمی‌قوام‌آبادی، ۱۳۷۷).

راهبردهای یادگیری زبان

کوهن (۱۹۹۰) راهبردهای یادگیری زبان را این‌گونه تعریف می‌کند: فرایندهای خودآگاهی که فراگیر برای یادگیری زبان انتخاب می‌کند. دو کلمه انتخاب و خودآگاه در این تعریف کلیدی به نظر می‌رسند او اعتقاد دارد که عیار خودآگاهی در تعیین اینکه به چه چیزی بشود راهبرد گفت مهم می‌باشد. کوهن بین راهبردهای یادگیری زبان و راهبردهای استفاده از زبان تفاوت قایل می‌شود البته این تفاوت کمرنگ می‌شود وقتی که بعضی از راهبردها برای یادگیری زبان دوم و استفاده از آن بکار می‌روند همان گونه که از تعریف کوهن برمی‌آید او عقیده ندارد که بعضی از راهبردها ماهیتاً خوب یا موفق هستند بلکه او اعتقاد دارد که فراگیر با توجه به موقعیت و نوع تمرین از راهبردهای مختلفی استفاده می‌کند پس این‌گونه می‌توان گفت

که ما نباید به دنبال بهترین راهبردها باشیم بلکه باید راهبردها را با توجه به تفاوت‌های فردی افراد و بافت زبانی مورد بررسی قرار دهیم با این حال کوهن اعتقاد دارد که راهبردها را می‌توان به راهبردهای کلی و جزئی تقسیم‌بندی نمود. آکسفورد (۱۹۹۰) راهبردهای یادگیری زبان را این‌گونه تعریف می‌کند: گام‌هایی که فراگیر برای بهبود زبان خویش برمی‌دارد. براساس این تعریف پتانسیل استفاده از راهبرد برای بهبود زبان موردتوجه است در ادامه آکسفورد ابزار می‌دارد که تنها راهبردهای خاصی منجر به بهبود توانش ارتباطی می‌شود.

راهبردهای یادگیری زبان به بهبود توانش رابطه‌ای کمک می‌کند. به یادگیرنده کمک می‌کند تا راهش را خودش بیابد؛ نقش معلم را توسعه می‌دهند به حل مشکل کمک می‌کنند فعالیت‌های اختصاصی هستند که فراگیر بکار می‌گیرد؛ وجوه زیادی از یادگیرنده را شامل می‌شوند که به یادگیری مستقیم و غیر مستقیم کمک می‌کنند همیشه قابل مشاهده نیستند اغلب خودآگاه هستند؛ قابل تدریس هستند؛ تحت تاثیر عوامل زیادی می‌باشند (پیشقدم، ۱۳۸۷).

برخلاف کوهن (۱۹۹۸) آکسفورد عقیده دارد که عملکردهای خاص و کلی با راهبردهای یادگیری زبان ارتباط دارند البته در این‌جا می‌توان ایرادی به تعریف آکسفورد گرفت و اینکه لزوماً نمی‌توان گفت که استفاده از راهبردهای یادگیری زبان منجر به بهبود توانش رابطه‌ای می‌شود زیرا یادگیرندگان ضعیف زبان نیز به خاطر نداشتن دانش کافی در زبان از راهبردهای زیادی استفاده می‌کنند.

گرچه راهبردهای یادگیری زبان به صورت مبهم تعریف و بحث‌انگیز و جنجالی دسته‌بندی شده‌اند، ولی به دلیل توانش آنها در افزایش یادگیری به شکل فرایندهای موردعلاقه پژوهشگران معاصر قرار گرفته‌اند. بررسی ماهیت راهبردهای یادگیری می‌تواند ما را در توصیف و طبقه‌بندی راهبردهای یادگیری زبان یاری رساند.

اومالی و چاموت (۱۹۸۹) عقیده دارند که هیچ توافقی درمورد این که اجزای سازنده راهبردهای یادگیری زبان دوم چه چیزهایی هستند و چگونه از فعالیت‌های دیگر یادگیرنده مجزا می‌شوند وجود ندارد.

فکیتی (۲۰۰۳) در مقاله خود راهبردهای یادگیری زبان را به‌طور دقیق به دو دسته تقسیم می‌کند: راهبردهای یادگیری زبان و راهبردهای به‌کارگیری زبان " به عقیده او راهبردهایی که یادگیرندگان زبان با هدف ویژه‌ای از آنها استفاده می‌کنند تا میزان یادگیری و فراگیری را افزایش دهند، راهبردهای یادگیری هستند. در مقابل راهبردهایی که یادگیرندگان زبان به صورت هدفمند به‌کار می‌برند تا یک نقش اجتماعی زبان را کامل کنند، با دیگران ارتباط برقرار نمایند و یا آزمونی را پشت-

سرگزارند، راهبردهای به‌کارگیری زبان هستند "او به دیگر تفاوت‌های این دو راهبرد اشاره کرده و عقیده دارد که راهبردهای یادگیری در حال پیشرفت و ادامه‌دار هستند در حالی که راهبردهای به‌کارگیری یا کاربردی به یک موقعیت ویژه اشاره می‌کنند جمله "وقتی من انگلیسی صحبت می‌کنم معمولاً می‌دانم چه موقع خطاهای دستوری دارم" یک راهبرد یادگیری است و جمله "امروز صبح وقتی در مصاحبه شغلی انگلیسی صحبت می‌کردم، خطاهای دستوری داشتم و بلافاصله آنها را درست می‌کردم" یک راهبرد به‌کارگیری است (پیشقدم، ۱۳۸۷).

ویژگی‌های کلیدی برای راهبردهای یادگیری زبان

آکسفورد (۱۹۹۹) ویژگی‌های کلیدی را برای راهبردهای یادگیری زبان برمی‌شمارد که عبارتند از:

- ۱- به کسب هدف اصلی که توانش ارتباطی است کمک می‌کنند
- ۲- به زبان آموزان اجازه می‌دهند که استقلال بیشتری به‌دست‌آورند و خود سامان‌بخشی داشته باشند
- ۳- نقش معلم زبان را گسترش می‌دهند
- ۴- با مسئله سازگاری دارند
- ۵- اعمال ویژه‌ای هستند که به وسیله یادگیرنده مورد استفاده قرار می‌گیرند و منشا آنها درون یادگیرنده است
- ۶- دربرگیرنده مفاهیم بسیاری از جمله مفهوم شناختی هستند
- ۷- به صورت مستقیم و غیرمستقیم یادگیری را پشتیبانی و ساده می‌کنند
- ۸- معمولاً قابل مشاهده نیستند
- ۹- اغلب آگاهانه هستند
- ۱۰- می‌توانند آموزش داده شوند
- ۱۱- انعطاف‌پذیر هستند
- ۱۲- عوامل گوناگونی روی آنها تاثیر می‌گذارند.

با رشد توانش یادگیرنده راهبردهای یادگیری زبان ممکن است به صورت ویژه‌ای چون دستوری، جامعه‌شناسی زبان، گفتمان و سازه‌های راهبردی عمل کنند تا جنبه‌های ویژه‌ای از آن توانش را پرورش دهند.